

شرایط پنهان برای رشد تولید

دکتر محسن رنانی*

باید توجه کرد بحث تولید ملی ذیل بحث توسعه ملی قرار می‌گیرد. تا زمانی که موانع اولیه توسعه رفع نشود، رشد تولید ملی نیازمند تحریک مداوم و تزریق پی‌درپی منبع مالی و پولی است. موانعی که در برابر توسعه ملی قرار دارد در اقتصاد مانند نارسایی کلیه یا نارسایی قلبی در بدن یک کودک عمل می‌کند. در چنین حالتی رشد بدن کودک نیازمند تحریک مداوم و تزریق مستمر انواع داروهای تقویتی و مکمل‌های غذایی است. در مورد تولید و اشتغال ملی نیز چنین است. بدون رفع موانع پایه‌ای توسعه، برای این که اقتصاد رشد کند باید دائماً منابع مالی و تشویقی به اقتصاد تزریق شود و این تزریق مداوم خودش عوارضی برای اقتصاد کلان دارد. مانند تزریق مداوم دارو به بدن بیمار که بعد از چندی موجب مسمومیت دارویی و انواع عوارض می‌شود. توسعه یافتن یک عمل اختیاری نیست و به همین علت قابل داوری اخلاقی و اسناد حسن و قبح به آن نیست. توسعه یافتن مانند بالغ شدن یا شک کردن است که وقتی شرایطش مهیا شد به صورتی خارج از کنترل ما رخ می‌دهد. مقدمات توسعه دو دسته هستند. نخست مقدماتی که در کنترل ما هستند و دوم مقدماتی که خارج از کنترل ما قرار دارند. ما تنها می‌توانیم مقدمات قابل کنترل توسعه را مدیریت کنیم، به همین دلیل تضمینی نیست که حتماً توسعه بیابیم. توسعه دو وجه دارد. وجه فناوری و مادی که به آن «صورت توسعه» می‌گوییم و دیگری وجه انسانی و ذهنی توسعه که به آن هویت توسعه می‌گوییم. صورت توسعه، رفاه می‌آورد اما هویت توسعه، آرامش و امنیت می‌آورد. وقتی در جامعه‌ای هم صورت و هم هویت توسعه رخ داد، آن جامعه به سوی سعادت در حرکت است. در جامعه‌ای که فقط صورت توسعه رخ داده باشد، توسعه، بی‌هویت و پراز تعارض و مشکلات می‌شود. هدف، رسیدن به توسعه هویت است اما شرط لازم برای توسعه هویت، توسعه صورت است. رابطه بین توسعه صورت و هویت مانند رابطه میان پوست و مغز میوه است. گرچه هدف، مغز میوه است اما مغز هیچ میوه‌ای بدون پوست آن شکل نمی‌گیرد و رشد نمی‌کند. در حالی که عکس آن امکان‌پذیر است. یعنی ممکن است پوست میوه‌ای شکل بگیرد اما داخل این پوست، مغزی شکل نگیرد. گسترش تولید ملی شرط لازم برای توسعه است و آن مانند شکل‌گیری پوسته‌ای برای میوه توسعه است. از نظر علم اقتصاد سه دسته شرایط برای گسترش تولید ملی وجود دارد. دسته اول شرایط تصریح شده است که در همه کتاب‌های درسی اقتصاد از آنها نام برده می‌شود. دسته دوم شرایط تصریح نشده است که فقط در میان بحث‌های عمیق متفکران برجسته اقتصادی قابل مشاهده است. اما یک دسته سوم شرایطی هستند که نه به صورت تصریح شده نه به صورت ضمنی در کتاب‌های اقتصادی دیده نمی‌شوند و این نه به علت بی‌اهمیت بودن آنهاست بلکه به علت بدیهی بودن آنهاست. این شرایط از بس بدیهی هستند هیچ متفکر اقتصادی ضرورتی ندیده است که حتی به آنها اشاره کند. نام این دسته شرایط را «شرایط پنهان» می‌گذاریم. در واقع شرایط پنهان شرایط مهمی هستند اما به علت بدیهی بودن از آنها غفلت شده است. یکی از مهم‌ترین شرایط پنهان برای گسترش مستمر و خودانگیخته تولید و اشتغال ملی این است که اقتصاد نباید وارد مرحله کهولت شده باشد. وقتی اقتصادی وارد مرحله کهولت می‌شود دیگر شرایط اولیه برای گسترش مستمر تولید و اشتغال فراهم نیست. این وضعیت مانند بدن یک فرد پیر می‌ماند که وقتی وارد مرحله کهولت می‌شود دیگر تغذیه و استفاده از انواع مواد و داروهای تقویتی موجب رشد این بدن یا چاق شدن آن نمی‌شود. اکنون یکی از مشکلات مهم اقتصاد ایران که بدون رفع آن تولید و اشتغال کشور نمی‌تواند به طور مستمر و خودانگیخته گسترش یابد و تنها با تزریق منابع عظیم مالی و پولی اندکی تحرک می‌یابد این است که نشانه‌های کهولت در اقتصاد ایران ظاهر شده که البته این یک کهولت طبیعی نیست و کهولت زودرس است. اگر این کهولت زودرس به موقع درمان نشود، می‌تواند اقتصاد ایران را وارد مرحله کهولت طبیعی کند که در این صورت درمان آن از راه‌های عادی ناممکن خواهد بود. بدون توجه جدی به شاخص‌های کهولت نظام اقتصادی ایران و تلاش برای اصلاح آنها، امکان جهش طبیعی و رشد مستمر در تولید و اشتغال کشور وجود نخواهد داشت. رفتارهای متعارض و سیاست‌های بی‌ثبات اقتصادی در ایران، یکی از عوامل اصلی سوق دادن اقتصاد ایران به سوی کهولت است و برای خروج اقتصاد ایران از مرحله کهولت، اصلاح رفتاری اقتصادی دولت شرط لازم است.